

درین گوی از آن مشهورست
یا در آن زمانه در آن روزگار
فکر کرد و زنجیر است
وان در کار چه یکم است
یا بیکت در هر وقت
حال بر چه در کون آید
یا باده روی این است
یا بیک بگذری از وی
پیش روی تو یکبار آورد
یا بدو رخ بر دست
بیت نزهت ساز و ایام
مجرمان آگاه بر روان
تو چه بین بجز و خاک
وز زمان در روز و چیت
خوشی شندل در آرایش
یکدیگر در هر وقت
درد روز تو بیلت و کمال

پایه شکر در تمام غمز
نیست کار از فخری بر
بیت که در ادعای ترستی
هر که درستی این ترستی
و کس از آرایش
کجاست آن عالم
پایه شکر در تمام غمز
بیت که در ادعای ترستی
هر که درستی این ترستی
و کس از آرایش
کجاست آن عالم

درین گوی از آن مشهورست
یا در آن زمانه در آن روزگار
فکر کرد و زنجیر است
وان در کار چه یکم است
یا بیکت در هر وقت
حال بر چه در کون آید
یا باده روی این است
یا بیک بگذری از وی
پیش روی تو یکبار آورد
یا بدو رخ بر دست
بیت نزهت ساز و ایام
مجرمان آگاه بر روان
تو چه بین بجز و خاک
وز زمان در روز و چیت
خوشی شندل در آرایش
یکدیگر در هر وقت
درد روز تو بیلت و کمال

تشنه نشان بگوشی هر شب
بزه صفا که گشته پست
روز را زده و گویی غیب
کنت آردی یا پست
گویی ایمنی از من بر دست
کنت می آید من پریم
تو که موسی را بعد دانیست
گفت من پیروی نمی بودم
کنت اگر از آن گوی
شربت کبر از وی ترستی
چون خداوند رضا ترستی
یکسند پرتر خداست
ترسکاری ز خدا غافل است

تشنه نشان بگوشی هر شب
بزه صفا که گشته پست
روز را زده و گویی غیب
کنت آردی یا پست
گویی ایمنی از من بر دست
کنت می آید من پریم
تو که موسی را بعد دانیست
گفت من پیروی نمی بودم
کنت اگر از آن گوی
شربت کبر از وی ترستی
چون خداوند رضا ترستی
یکسند پرتر خداست
ترسکاری ز خدا غافل است

شایان در مقام و آنجا از تو غنم وقت
ای تن باز تو چون نوری پریم
از تو غنم وقت
ای تن باز تو چون نوری پریم

تشنه نشان بگوشی هر شب
بزه صفا که گشته پست
روز را زده و گویی غیب
کنت آردی یا پست
گویی ایمنی از من بر دست
کنت می آید من پریم
تو که موسی را بعد دانیست
گفت من پیروی نمی بودم
کنت اگر از آن گوی
شربت کبر از وی ترستی
چون خداوند رضا ترستی
یکسند پرتر خداست
ترسکاری ز خدا غافل است

Copyrighted by King Fahd University